

واکاوی اعتبارسنجی خطبه فدکیه

در سنجه معیارهای فریقین

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۴/۲۵

فاطمه ژیان^۱

چکیده

خطبه فدکیه، سخنرانی حضرت زهرا علیها السلام است که در زمان کوتاهی پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و هم‌زمان با غصب فدک بیان شد؛ این خطبه یکی از مهم‌ترین دلایل و مدارک حقانیت اهل بیت علیهم السلام در مسئله جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بیانگر انحراف‌های جامعه اسلامی پس از رحلت ایشان است؛ گروهی انتساب این خطبه به حضرت زهرا علیها السلام را مورد تشکیک و انکار قرار داده و آن را ساخته و پرداخته شیعیان دانسته‌اند؛ در این پژوهش با روشی تحلیلی-توصیفی تلاش شده خطبه فدکیه با مبانی موردپذیرش شیعه و سنی سنجیده شود؛ بررسی و تحلیل جوانب گوناگون این روایت نشانگر اعتبار این خطبه از جهات متعدد است؛ این روایت افزون بر نقل در منابع معتبری مانند کتب اربعه شیعه، در تعداد قابل توجهی از منابع کهن روایی-تاریخی اهل سنت نیز، بازگو شده و دارای طرق متعدد و معتبر است؛ تحلیل محتوایی این روایت که به روش برون‌متنی صورت گرفته بیانگر تناسب متن و مضمون این خطبه با شواهد تاریخی و روایی شیعه و سنی است.

واژگان کلیدی: اعتبارسنجی روایات، خطبه فدکیه، حضرت فاطمه علیها السلام، فدک.

۱. استادیار دانشگاه حضرت معصومه، Fa.zhian@yahoo.com.

مقدمه

«خطب» به معنای بازگرداندن کلام و «خطبه» کلامی است که به موعظه و اندرز اختصاص دارد؛^۱ خطبه گفتاری رسمی و هیجان‌انگیز است که به منظور اقناع و تشویق گروهی به انجام یا ترك عملی بیان می‌شود^۲ و محتوای آن ستایش خدا، نعت نبی و موعظه خلق است؛^۳ خطبه خوانی در دوران جاهلیت، جایگاهی ارزشمند داشت تاجایی که به‌عنوان رسانه‌ای عمومی، برای انتقال بسیاری از اطلاعات، ترویج عقاید و رسومات و فیصله دادن به نزاع‌ها، از آن بهره می‌بردند؛^۴ از این رو، رسول خدا ﷺ هنگامی که به مقام رسالت مبعوث شد، این شیوه ارتباطی و رسانه‌ای را برای تبلیغ معارف و احکام اسلامی به کار گرفت؛^۵ در سالیان بعد نیز خطبه خوانی کمابیش چنین کاربردی داشت؛ از این رو امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ و دیگر امامان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نیز این رسانه جمعی را به کار می‌گرفتند.^۶

فدک روستایی در فاصله دو یا سه روز از مدینه است؛ نیمی از این روستا پس از فتح خیبر و انتشار این خبر در بین یهودیان، در مقابل مصونیت فدکیان از حمله مسلمانان به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بخشیده شد؛ در منابع اهل سنت - افزون بر منابع شیعیان - آمده است که فدک به‌عنوان هبه از سوی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، در اختیار حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ قرار داده شد؛ در ذیل آیه «وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ»^۷ ابوسعید خدری نقل می‌کند که هنگام نزول این آیه، رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ را خواستند و فدک را به ایشان بخشیدند.^۸ هدیه بودن فدک

۱. مفردات، ص ۲۸۶؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۱.
۲. ترجمه نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۷۳.
۳. لغت نامه دهخدا، ج ۶، ص ۸۶۶۲.
۴. رک: المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۱۶، ص ۴۰۵.
۵. برخی تألیفات در جمع‌آوری خطب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نوشته شده است از جمله کتاب پیام پیامبر تألیف بهاء الدین خرمشاهی.
۶. نمونه‌هایی از خطب امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ در نهج البلاغه گردآوری شده است.
۷. اسراء: ۲۶.
۸. تفسیر القرآن العظیم، ج ۵، ص ۶۳؛ الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۴، ص ۱۷۷؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۳۹؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۵، ص ۶۲.

در گزارش‌ها و منابع دیگری از اهل سنت نیز آمده است؛^۱ اما پس از رحلت پیامبر ﷺ، فدک از فاطمه علیها السلام گرفته شد؛^۲ هنگامی که ایشان در پی بازپس‌گیری فدک برآمدند، از ایشان شاهدانی برای ادعای هدیه بودن فدک درخواست شد؛ مطابق گزارش یعقوبی ایشان علی علیه السلام، حسن علیه السلام، حسین علیه السلام و ام ایمن را شاهد آوردند؛^۳ بنا بر نقل «فتوح البلدان»، علی علیه السلام و ام ایمن به نفع وی شهادت دادند؛^۴ در نقل دیگری شاهدان ام ایمن و رباح غلام آزاد کرده پیامبر ﷺ معرفی شده‌اند؛^۵ اما به هر حال نه اقرار زهرا علیها السلام پذیرفته شد و نه شهادت شاهدان.

برخی گزارش‌ها دلیل بازنگرداندن فدک به زهرا علیها السلام را سخن پیامبر ﷺ که فرمود: «نحن معاشر الانبياء لانورث» بیان کرده‌اند؛^۶ در حالی که تنها راوی این روایت ابوبکر است و همچنین ضعف‌های دیگری نیز دارد؛^۷ افزون‌بر این فدک به دلیل هبه شدن در زمان حیات رسول خدا ﷺ، از موضوع این روایت خارج است؛ این مسئله تا جایی روشن است که ابن‌ابی‌الحدید معتزلی می‌گوید: از علی بن الفارقی استاد مدرسه بغداد سؤال کردم آیا فاطمه علیها السلام در ادعای فدک صادق بود؟ پاسخ داد: بله. گفتم: چرا ابوبکر فدک را باز نگرداند در حالی که فاطمه علیها السلام را صادق می‌دانست؟ لبخند زد و گفت: اگر آن روز به ادعای فاطمه علیها السلام فدک را می‌داد، فردا ادعا می‌کرد که خلافت از آن همسر است.^۸

۱. ر.ک: جلوه‌های تاریخ در شرح ابن‌ابی‌الحدید، ذیل نامه ۴۵، ص ۸۹ به بعد.

۲. معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۳۸.

۳. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۶۹.

۴. فتوح البلدان، ص ۴۰.

۵. همان.

۶. صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۵۲؛ سنن ترمذی، ج ۳، ص ۸۲؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۲۶۲، فتح الباری، ج ۱۲، ص ۱۶۳.

۷. برای اطلاع بیشتر از چگونگی نقد این حدیث، به مقاله ارزیابی حدیث «نحن معاشر الانبياء لا نورث» نوشته قاسم بستانی، مراجعه شود. بستانی، ۱۳۸۶، ۸۱-۹۶.

۸. شرح ابن‌ابی‌الحدید، ج ۱۶، ص ۲۸۳.

حضرت زهرا علیها السلام (که بنابر اعتراف عایشه بافضلیت‌ترین مردم^۱ و صادق‌ترین آنان پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم^۲ بود) برای پس گرفتن حق خویش با گروهی از زنان به مسجد رفت و با بیان خطبه‌ای فدک را مطالبه کرد که البته سودی نبخشید و فدک را به ایشان پس ندادند.^۳

خطبه فدکیه سخنرانی حضرت زهرا علیها السلام است که پس از گذشتن زمانی کوتاه از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و به دلیل نافرجام ماندن دادخواهی‌شان بیان فرمودند؛ در این خطبه ایشان افزون بر پافشاری بر مالکیت فدک و غضب آن، مسائلی همچون فتنه‌ها، عهدشکنی‌ها و لغزش‌های امت اسلامی پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به روشنی بازگو می‌کند؛ از این رو این خطبه می‌تواند یکی از مهم‌ترین مدارک روایی-تاریخی بر حقانیت امامت و ولایت به‌شمار رود؛ درون مایه روشن این خطبه در کنار شخصیت والای حضرت زهرا علیها السلام همچنین جایگاه ویژه ایشان در بین مسلمانان، موجب شده تا همواره درستی انتساب آن به فاطمه علیها السلام مورد بحث، گفتگو و البته ازسوی برخی مورد تشکیک و انکار باشد. از این رو این پژوهش در پی یافتن پاسخ این پرسش‌ها است: مهم‌ترین منابع گزارش‌کننده خطبه فدکیه در بین کتب معتبر روایی شیعه و به‌ویژه اهل سنت کدام‌اند؟ آیا جهاتی برای اعتبار طرق و اسناد خطبه فدکیه وجود دارد؟ آیا درون مایه خطبه فدکیه با شخصیت حضرت زهرا علیها السلام و وقایع عصر صدور آن سازگاری دارد؟ این پژوهش با شیوه‌ای تحلیلی-توصیفی و با بهره‌گیری از منابع روایی و تاریخی شیعه و سنی در پی بررسی و واکاوی منابع، طرق و محتوای خطبه فدکیه در گزارش‌های شیعی و سنی است تا به‌دوراز هرگونه پیش‌داوری، میزان اصالت این خطبه را مورد ارزیابی قرار دهد.

پیش‌ازاین، پژوهش‌ها و آثار متعددی درباره خطبه فدکیه نگاشته شده است که بیشتر به شرح محتوایی این خطبه پرداخته‌اند؛ «سید عزالدین حسینی زنجانی» نیز در شرح این خطبه، به‌عنوان مقدمه، برخی منابع و اسناد آن را بیان کرده، اما به واکاوی و بیان

۱. المعجم الاوسط، ج ۳، ص ۱۳۷.

۲. مسند أبي يعلى، ج ۸، ص ۱۵۲-۱۵۳.

۳. منابع خطبه فدکیه در آینده خواهد آمد.

میزان اعتبار این منابع و اسناد پرداخته است؛ پژوهش‌هایی نیز در زمینه سندشناسی این خطبه انجام شده است؛ مانند مقاله «نگاهی گذرا به اسناد و منابع خطبه فدکیه» تألیف حسین علی آذربادگان که به بیان منابع این خطبه و طرق متعدد و طبقات راویان آن پرداخته است اما میزان اعتبار اسناد و وثاقت راویان را طرح نکرده است؛ در «احادیث فدک فی مصادر الفریقین» نگارش محمد حیات انصاری نیز تنها به بیان منابع شیعی و سنی این خطبه پرداخته شده و جهات دیگر اعتبار مورد توجه قرار نگرفته است؛ مریم صفایی در مقاله «کتاب‌شناسی خطبه‌های حضرت فاطمه زهرا علیها السلام» تنها به ذکر منابعی با محوریت خطبه‌های حضرت زهرا علیها السلام پرداخته است؛^۱ البته هیچ‌یک از این آثار و دیگر آثاری که تألیف و تدوین شده‌اند در پی واکاوی جهات گوناگون اعتبار این خطبه با نگاه به مبانی پذیرش احادیث شیعه و سنی نبوده‌اند؛ از این رو این نگاشته با چینی منطقی و طرح برخی موضوعات دقیق و جامع و با دیدگاهی مقایسه‌ای به بررسی اعتبار این خطبه پرداخته است.

۱. بررسی انتساب خطبه فدکیه به دیگران

گروهی انتساب این خطبه به حضرت زهرا علیها السلام را مورد تشکیک و انکار قرار داده و آن را از سخنان حضرت علی علیه السلام و یا شخصی به نام «ابو العیناء»^۲ دانسته‌اند؛^۳ انتساب این خطبه به «ابو العیناء»، قابل دفاع نیست؛ چراکه «زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب» می‌گوید: «من پیرمردان آل ابوطالب را دیدم که این خطبه را از پدرانشان نقل می‌کردند و به پسرانشان می‌آموختند. خود من نیز این حکایت را از پدرم و جدّم شنیدم»؛ بنابراین شیعیان قبل از به دنیا آمدن جدّ ابو العیناء، آن را نقل کرده و به یکدیگر

۱. مجله بانوان شیعه، ۱۳۸۴، ش ۴.

۲. أبو العیناء، محمد بن قاسم بن خلاد؛ اصلش از یمامه و متولد ۱۹۱ هجری در اهواز است. از فصحا، شعراء و ادبای عصر خویش بوده، در سن ۴۰ سالگی چشمان خود را از دست داده و در سال ۲۳۳ از دنیا رفته است. (اللمعة البيضاء فی شرح خطبة الزهراء، ص ۳۱۹)

۳. بلاغات النساء، ص ۱۲.

می‌آموختند؛^۱ درحالی که ابوالعیناء هم عصر با متوکل و در قرن سوم هجری می‌زیسته است.^۲

انتساب این خطبه به حضرت علی علیه السلام نیز پذیرفتنی نیست؛ گرچه نزد شیعیان، به جهت مقام عصمت، کلام آن حضرات از حجیت یکسانی برخوردار است و در نظر اهل سنت به جهت اعتقاد به عدالت صحابه، سخن علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام با ارزش‌گذاری یکسانی پذیرفتنی است؛ اما تمامی قرائن و شواهد، انتساب آن را به حضرت علی علیه السلام رد کرده و صدور آن را از حضرت زهرا علیها السلام تأیید می‌کند؛ در هیچ نقل و منبعی دیده نشده که سند این خطبه به علی بن ابی طالب علیه السلام ختم شود. افزون برآنکه در برخی از نقل‌هایی که از طریق اهل سنت رسیده، شیوه حرکت حضرت فاطمه علیها السلام به سوی مسجد، آویخته شدن پرده و سایر جزئیات و مقدمات خطبه نیز به تصویر کشیده شده است؛^۳ البته نباید از نظر دور داشت که سخنان حضرت زهرا علیها السلام در خطبه فدکیه، در بخشی از سخنان امیرمؤمنان تأیید می‌شود؛^۴ اما این مطلب دلیل بر صدور خطبه فدکیه از حضرت علی علیه السلام نیست، بلکه خود دلیلی آشکار بر اعتبار محتوایی خطبه فدکیه است.

۲. جستجوی منابع خطبه فدکیه

گرچه حدیث پژوهان در تقدم و تأخر، پذیرفتن یا نپذیرفتن و درجه اهمیت قرائن اعتبار روایات اختلاف نظر دارند؛^۵ اما همواره وجود روایت در منابع معتبری که مورد عمل صحابه و علمای برجسته اسلامی است، از دلایل اعتبار روایت به‌شماررفته است؛ بسیاری از علمای اهل تسنن، روایات موجود در صحیحین را اصح احادیث دانسته و سایر صحاح را

۱. همان.

۲. معجم الادباء، ج ۶، ص ۲۶۰۳.

۳. در آینده بخش‌هایی از متن خطبه آورده خواهد شد که جملگی می‌تواند از قرائن صدور آن از حضرت فاطمه علیها السلام باشد.

۴. در بررسی محتوایی و در اقدامات ناشایست... بخش کوچکی از آن آورده خواهد شد.

۵. رک: وثوق صدوری و وثوق سندی و دیدگاه‌ها، ش ۱۹ و ۲۰.

در رتبه‌های بعدی قرار داده‌اند؛^۱ گروهی از شیعیان نیز روایات موجود در منابع همانند اصول قابل‌اعتماد^۲ و کتب اربعه را محکوم به قطعیت^۳ و یا حجیت^۴ می‌دانند؛ منابع بسیاری از کتب روایی-تاریخی شیعه و سنی به نقل خطبه فدکیه پرداخته‌اند تاجایی که برخی تعداد این منابع را تا شصت^۵ و برخی دیگر تا ۱۱۲^۶ اثر شمرده‌اند؛ این منابع گاه خطبه را به طور کامل و گاه بخشی از آن را نقل کرده‌اند؛ گاه همراه با سند و منبع و گاه بدون سند و منبع به نقل خطبه فدکیه پرداخته‌اند؛ برخی از این منابع به طور کامل موجود و از پاره‌ای از آن‌ها تنها گزارشی به ما رسیده است. در ذیل تنها به بخشی از مهم‌ترین این منابع اشاره شده است.

الف. منابع امامیه

گفته شده کهن‌ترین کتاب مستقلی که خطبه فدکیه را ثبت کرده، کتاب «خطبة الزهرا» نوشته «ابو مخنف ازدی»^۷ (م ۱۵۷ ق) است.^۸ کتاب یاد شده در حال حاضر در دسترس نیست و منبع یا منابعی که به طور مستقیم این خطبه را از آن کتاب نقل کرده باشند نیز یافت نشد تا با مقایسه محتوای آن با خطبه فدکیه، بتوان در مورد مطابقت داشتن یا مطابقت نداشتن آن با خطبه زهرا ع اظهار نظر قطعی ارائه کرد؛ اما با توجه به سند شیخ به این کتاب که در انتهای آن می‌نویسد: «عبدالرحمن بن جندب عن أبيه قال: خطب (أمير

۱. رک: اضواء على السنة المحمدية، ص ۳۱۲.

۲. نهاية الدراية، ص ۱۷۰.

۳. الفوائد المدنية و الشواهد المكية، ص ۱۱۲.

۴. الوافية في اصول الفقه، ص ۱۶۶.

۵. زندگانی حضرت زهرا ع، ص ۳-۵.

۶. همان، ص ۸۰۳.

۷. برخی در امامی بودن و تشیع وی تردید نموده‌اند (حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۱۳)؛ ابومخنف را از اصحاب حضرت علی ع و حسین ع دانسته‌اند، اما شیخ طوسی این مطلب را صحیح ندانسته است. (الفهرست، ص ۳۸۱)

۸. نگاهی گذرا به اسناد و منابع مکتوب خطبه فدک، ص ۴۹.

المؤمنین) علیه السلام... و ذکر الخطبة بطولها^۱ می توان نتیجه گرفت که «خطبة الزهراء» ابومخنف، خطبه فدکیه نبوده و یکی از خطبه های امیرمؤمنان و شاید همان خطبه ۱۰۸ نهج البلاغه است که به جهت فصاحت و بلاغت فوق العاده آن، به «خطبة الزهراء»، شهرت دارد.

مسعودی در کتاب «مروج الذهب» (م ۳۴۶ ق) به رویداد فدک اشاره کرده و تفصیل خطبه را به کتاب «اخبار الزمان» و کتاب «اوسط» خود واگذار کرده است؛^۲ از منابع موجودی که به نقل گسترده خطبه فدکیه پرداخته اند، می توان از دو کتاب «من لایحضره الفقیه»^۳ و «علل الشرایع»^۴ شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) یاد کرد؛ شیخ صدوق فرازهایی از این خطبه را در دو کتابش آورده است. طبرسی (م ۵۴۸ ق) نیز در کتاب «الاحتجاج» بابی را با نام «احتجاج فاطمة الزهراء علیها السلام علی القوم لما منعوها فدک و...» گشوده و به نقل خطبه فدکیه پرداخته است.^۵

منابع دیگری که خطبه فدکیه را به صورت گسترده و با طرق متعدد نقل کرده اند «الشافی فی الامامة» سید مرتضی (م ۴۳۶ ق)^۶، «دلایل الامامة» طبری صغیر^۷ (قرن پنجم ق)^۸، «الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف» سیدبن طاووس (م ۶۶۴ ق)^۹ و «کشف الغمة فی معرفة الائمة» اربلی (م ۶۹۲ ق)^{۱۰} است.

۱. الفهرست، ص ۳۸۱-۳۸۲.

۲. مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، ص ۳۰۴.

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۸.

۴. علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۸۹.

۵. الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۳۱.

۶. الشافی فی الامامة، ج ۴، ص ۶۹-۷۶.

۷. برخی این کتاب را منقولات محمدبن جریر طبری سنی مذهب دانسته اند (مجله کیهان اندیشه، شماره ۵۸) و لذا شاید بتوان آن را از منابع اهل تسنن شماره نمود.

۸. دلایل الامامة، ص ۱۰۹-۱۲۲.

۹. الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ص ۲۶۳-۲۶۴.

۱۰. کشف الغمة فی معرفة الائمة، ج ۲، ص ۳۲.

«علامه مجلسی» از محدثان متأخر شیعه است که در «بحار الانوار» خطبه یاد شده را با طرق بسیار از منابعی گوناگون نقل کرده است.^۱

ب . منابع غیر امامیه

ذکر خطبه فدکیه در کتب روایی و تاریخی متعدد و با طرق مختلف اهل سنت به تنهایی می‌تواند مدرکی بر اصالت این روایت باشد. یکی از کتاب‌های اهل سنت که به نقل خطبه فدکیه پرداخته «المنثور و المنظوم» نوشته احمد بن ابی طاهر طیفور (م ۲۸۰ ق) است که از شاعران و تاریخ‌نگاران اهل سنت به‌شمار می‌رود؛ قسمت اعظم این کتاب از بین رفته است؛^۲ اما بخش یازدهم آن با نام «بلاغات النساء» به چاپ رسیده که در این بخش سخنان بلیغ، جوابیه‌ها و اخبار زنان جمع‌آوری شده است؛^۳ در این بخش خطبه فدکیه با نام «کلام فاطمة بنت رسول الله ﷺ» به صورت گسترده نقل شده است.^۴

منبع دیگر «السقیفه و فدک» احمد بن عبدالعزیز جوهری (م ۳۲۳ ق) است؛^۵ ابن ابی‌الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه در ذیل نامه ۴۵ با نام «ذکر ما ورد من السیر و الأخبار فی أمر فدک» و در فصل اول بحث با نام «فیما ورد من الأخبار و السیر. المنقولة من أفواه أهل الحديث و كتب الشيعة و رجالهم» این خطبه را با بیان سند، به نقل از جوهری آورده است.^۶

ابوالفرج اصفهانی (م ۳۵۶ ق) در «کتاب کلام فاطمه فی فدک» نیز به صورت مستقل

۱. بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۲۱۵ به بعد.

۲. الذریعة، ج ۳، ص ۱۴۲.

۳. بلاغات النساء، ص ۳.

۴. همان، ص ۲۲.

۵. السقیفه و فدک، ج ۱، ص ۱۴۰. کتاب «السقیفه و فدک» موجود در واقع نقل‌های ابن ابی‌الحدید، از آن کتاب است که با تلاش محمدهادی امینی جمع‌آوری شده است.

۶. شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۱۶، ص ۲۱۱.

این خطبه را نقل کرده است؛^۱ گرچه از این کتاب اثری بر جای نمانده است اما مؤلف زیدی مذهب آن، در کتاب «مقاتل الطالبیین» در ذیل شرح حال «عون بن عبد الله بن جعفر بن ابي طالب» به این خطبه اشاره کرده و می‌نویسد: مادر عون، زینب دختر علی بن ابی‌طالب است و زینب همان کسی است که ابن عباس کلام فاطمه در فدک را از وی نقل کرده و می‌گوید: «حدثني عقيلتنا زينب بنت علي عليها السلام»^۲ ابن مردويه (م ۴۱۰ ق) نیز در کتاب «مناقب علی بن ابی‌طالب» این خطبه را نقل کرده است.^۳

افزون بر نقل خطبه فدکیه در منابع شیعی و سنی، بسیاری از علما از دیرباز به شرح مفاهیم و متن این خطبه پرداخته‌اند و از آنجاکه تحلیل محتوا فرع بر پذیرش اعتبار روایت است، می‌توان گفت که شارحان این خطبه به اعتبار و صحت صدور آن معتقدند؛ از این رو هریک از این شرح‌ها می‌تواند به عنوان منبعی برای این خطبه به‌شمار رود؛ از شرح‌های خطبه فدکیه می‌توان به «شرح خطبة اللمة»^۴ ابن عبدون (م ۴۲۳ هـ) اشاره کرد که از مشایخ نجاشی^۵ و شیخ طوسی^۶ است؛^۷ همچنین می‌توان از شرح‌های دیگری مانند

۱. الذریعة، ج ۱۸، ص ۱۰۹.

۲. مقاتل الطالبیین، ص ۶۰.

۳. مناقب علی بن ابی‌طالب، ص ۲۰۱.

۴. علی الظاهر «خطبه اللمه» همان خطبه فدکیه باشد؛ علامه شبر نیز در کتاب خود، خطبه فدکیه را اللمه نامیده است گرچه صاحب الذریعه در توصیف این خطبه در ذیل عنوان «شرح خطبة اللمة» آورده است: «هی خطبة فاطمة الزهراء عليها السلام في المسجد في اللمة من النساء» (فهرس اسماء مصنفی الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۲۴) و از ظاهر کلام او به دست می‌آید که خطبه‌ای غیر از فدکیه باشد اما وی در ذیل عنوان «خطبة اللمة» می‌نویسد: این خطبه حضرت زهرا عليها السلام است که دارای شروح فراوانی است و ابن ابی‌الحدید در ذیل شرح نامه امام عليها السلام به عثمان بن حنیف آن را از جوهری نقل کرده است (همان، ج ۷، ص ۲۰۵) و ابن ابی‌الحدید در شرح این نامه به نقل ماجرای فدک و خطبه فدکیه پرداخته است. (شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۱۶، ص ۲۱۱ به بعد)

۵. فهرس اسماء مصنفی الشیعه، ص ۸۷.

۶. رجال الطوسی، ص ۴۱۳.

۷. فهرس اسماء مصنفی الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۲۴.

«الروضة الزهراء في تفسير خطبة الزهراء» اثر احمد بن محمد خزاعي نيشابوري (قرن پنجم)، «كشف المحجة في شرح خطبة اللمة» نوشته علامه سيد عبدالله شبر (م ۱۲۴۲ ق)، «اللمعة البيضاء» تأليف محمد علي بن أحمد قراچه داغی تبريزي انصاری (م ۱۳۱۰ ق) و شرح محمد تقی بن سيد بن اسحاق قمی (م ۱۳۴۴ ق) با نام «الدرة البيضاء»^۱ نیز یاد کرد.^۲

۳. بررسی و تحلیل طرق خطبه فدکیه

همواره بررسی و تحلیل سندی یکی از مهم‌ترین شیوه‌های نقد روایات به شمار رفته است؛ طرق متعدد، راویان مورد اعتماد، نقل روایت توسط افراد خاص، می‌تواند از جهات اعتبار سند روایت باشد.

الف. طرق متعدد

محدثان بر این باورند که متابع و شاهد داشتن هر روایت از قرائن وثوق آن روایت به شمار می‌رود؛ متابع حدیثی است که برخی روات آن با راویان حدیث دیگر که همان مضمون را نقل کرده‌اند، یکسان باشند؛^۳ شاهد در اصطلاح علم حدیث به روایتی گفته می‌شود که متن آن با روایت دیگر یکسان اما سلسله سندش متفاوت باشد؛^۴ ساده‌تر آنکه هرچه روایتی با اسناد بیشتری نقل شود، به‌ویژه اگر ناقلان آن از فرق مختلف باشند، درجه اعتماد و اطمینان به آن روایت افزون می‌شود.

خطبه فدکیه حضرت زهرا علیها السلام با طرق متعددی نقل شده و برخی تا ۲۵ سند برای آن شمرده‌اند؛^۵ این خطبه را در هر طبقه حداقل چهار راوی نقل کرده‌اند؛ از این رو اگر آن را متواتر ندانیم، به یقین مستفیض است که از جهت اعتبار در رتبه‌ای پس از متواتر قرار

۱. همان، ج ۸، ص ۹۲-۹۳.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۲۱۵.

۳. علم الحدیث و درایه الحدیث، ص ۶۲-۶۳.

۴. همان.

۵. نگاهی گذرا به اسناد و منابع مکتوب خطبه فدک، ص ۵۸-۶۵.

دارد. علامه مجلسی در مورد طرق متعدد خطبه فدکیه می‌نویسد: «این خطبه از خطب مشهوری است که خاصه و عامه آن را با طرق متضافره، نقل کرده‌اند».^۱ نویسنده «لمعة البيضاء» نیز بر همین امر تأکید کرده است.^۲

ب. اسناد معتبر

از دیرباز یکی از قرائن اصلی دستیابی به صحت صدور روایت، اعتبار سند آن بوده است؛ آیت‌الله خویی در «معجم رجال الحدیث» پس از نقل طریق شیخ صدوق به خطبه فدکیه، به بیان صحت سندی آن و شرح دلایل آن پرداخته است؛^۳ ازبین اسناد فراوان این خطبه، یکی از طرق اهل سنت مورد واکاوی و دقت قرار گرفته است؛ در کتاب «مناقب علی بن ابی طالب» نوشته ابن مردویه، سند روایت چنین آمده است:

«ابن مردویه، أخبرنا عبدالله بن اسحاق، أخبرنا محمد بن عبید، أخبرنا محمد بن زیاد، أخبرنا شرفی بن قطامي عن صالح بن کیسان عن الزهري عن عروة عن عائشة انها قالت: لما بلغ فاطمة عليها السلام ان أبا بكر أظهر منعها فدك...»^۴

سیدبن طاووس نیز در کتاب «الطوائف» (که در آن به اثبات حقانیت شیعه با دلایل اهل سنت می‌پردازد) این سند را آورده که گاه در بررسی این سند برای تکمیل مطلب، نظرات ایشان نیز مطرح می‌شود:

ذهبی، «أبو بكر أحمد بن موسى بن مردويه الأصفهاني» نگارنده کتاب مناقب را با تعبیر «حافظ ثبت» توصیف کرده^۵ و دقت او را در استخراج روایات صحیح بخاری ستوده است؛^۶ سیدبن طاووس نیز با نقل این سند، ابن مردویه را در نزد اهل سنت قابل اعتماد معرفی کرده و نوشته است: «الشيخ المعظم عندهم. المحافظ، الثقة بينهم».^۷

۱. بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۲۱۵.

۲. اللعة البيضاء في شرح خطبة الزهراء، ص ۳۱۷.

۳. معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۱۰۲-۱۰۳.

۴. مناقب علی بن ابی طالب، ص ۲۰۱.

۵. تذکره الحفاظ، ج ۳، ص ۱۰۵۰.

۶. همان، ج ۳، ص ۱۰۵۰-۱۰۵۱.

۷. الطوائف في معرفة مذاهب الطوائف، ص ۲۶۳-۲۶۴.

شیخ ابن مردویه و دومین راوی سند یادشده مطابق با ثبت سیدبن طاووس در «الطرائف»، «اسحاق بن ابراهیم بن عبدالله» است^۱ که از ثقات به شمار می‌رود؛^۲ اما همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در کتاب «المناقب» نام او «عبد الله بن اسحاق» ضبط شده که بغدادی او را با عبارت «فیه لین» توصیف کرده است.^۳ «لین» فردی است که روایات او نوشته می‌شود اما باید در اعتبار روایاتش دقت کرد.^۴ روایات چنین افرادی متروک نیست و این ذم به عدالت آنان آسیبی وارد نمی‌کند.^۵

در ضبط نام راوی سوم در «المناقب» تصحیفی صورت گرفته و نام صحیح او «أحمد بن عبید بن ناصح النحوی» است؛ چراکه او از مروی‌عنه‌های «عبد الله بن اسحاق» است^۶ و سیدبن طاووس نیز نام او را این‌گونه ثبت کرده^۷ و ابن عدی او را «اهل صدق» خوانده^۸ و ابن حبان او را از جمله ثقات دانسته است.^۹ گرچه در مذمت او آمده است که روایات منکر نقل کرده و متابع بر روایات او وجود ندارد^{۱۰} اما از آنجاکه روایت منکر روایتی است که متن آن مخالف روایت مشهور بوده و راوی آن غیرثقه است^{۱۱} و عدم وجود متابع بر روایت نیز به معنای تفرد در نقل روایات است^{۱۲}، بازگشت منقصه‌های

۱. همان، ص ۲۶۳-۲۶۴.

۲. تاریخ بغداد، ج ۶، ص ۳۸۶.

۳. تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۴۲۱.

۴. منهج النقد فی الحدیث، ج ۱۰۶.

۵. التقیید و الايضاح شرح مقدمة ابن الصلاح، ص ۱۳۵.

۶. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۵۴۳.

۷. الطرائف ص ۲۶۳-۲۶۴.

۸. الكامل فی ضعفاء الرجال، ج ۱، ص ۱۸۸.

۹. الثقات، ج ۸، ص ۴۳.

۱۰. تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۱۳-۱۴.

۱۱. علوم الحدیث و مصطلحه، ص ۲۰۳؛ نهابة الدراية، ص ۲۷۰.

۱۲. نخبة الفكر، ص ۳۱.

مطروحه به برخی روایات و مروی عنه‌های «ابن عبید» است و گویا او در نقل روایات و اخذ راوی از شیخ حدیثی دقت نداشته و درست و نادرست را از ثقه و غیر ثقه نقل کرده است؛ اما این جرح موجب سقوط تمامی روایات او نخواهد شد و به وثاقت خودش خدش‌های وارد نمی‌کند و در این مقام نیز مشایخ و متن روایت مستقلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد.

چهارمین راوی «زیادی، محمد بن زیاد» است که ذهبی او را «الامام الحافظ الثقة الجلیل» توصیف کرده^۱ بنابراین او هم دارای وثاقت و هم دارای منزلت است. ابن حبان راوی پس از «زیادی»، «شرقی بن قطامی» را در کتاب «الثقات» خود از جمله ثقات شمرده است.^۲ «صالح بن کیسان» شیخ «شرقی» نیز در کتب اهل سنت از جمله ثقات به شمار رفته^۳ و «ابن حبان» در ترجمه او می‌نویسد: «کان من فقهاء المدینة و الجامعین للحديث و الفقه من ذوی الهیة و المروة».^۴ مراد از راوی او «زهري»^۵ در سند این خطبه به قرینه راویان و مروی عنه‌ها، «محمد بن مسلم زهري» است که تابعی و ثقه است^۶ و مروی عنه او «عروة» در کتاب «معرفة الثقات» این چنین به وثاقت توصیف شده است: «عروة بن الزبير بن العوام مدني تابعي ثقة كان رجلا صالحا».^۷

در سند مذکور ناقل این روایت از فاطمه عليها السلام، «عائشه» است که از صحابه رسول خدا صلى الله عليه وآله و در نزد اکثر اهل سنت از عدول روات است و لذا احراز وثاقت وی در نظر آنان نیازمند بررسی نیست.^۸ در «الاصابة في معرفة الصحابة» ابن حجر از قول شعبی نقل شده که هرگاه نزد مسروق روایتی از عایشه نقل می‌شد، می‌گفت: «حدثني الصادقة بنت

۱. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۱۵۴.

۲. الثقات، ج ۶، ص ۴۴۹.

۳. معرفة الثقات، ج ۱، ص ۴۶۵.

۴. الثقات، ج ۶، ص ۴۵۴-۴۵۵.

۵. دریافت روایت «شرقی» از «محمد بن مسلم زهري» روایت الاکابر عن الاصاغر به شمار می‌رود. (رک:

تهذیب الکمال، ج ۱۳، ص ۸۱-۸۴)

۶. معرفة الثقات، ج ۲، ص ۲۵۳.

۷. همان، ج ۲، ص ۱۳۳.

۸. تدریب الراوی، ص ۳۷۴.

الصادق».^۱

بنابراینچه بیان شد، هیچ یک از راویان مذکور در سند مورد بحث، دارای مذمت قابل اعتنا نبوده و مورد تأیید عالمان رجالی سنی مذهب هستند و لذا سند این خطبه نزد آنان از اعتبار برخوردار است.

ج . وجود راویان خاص در سند

یکی از قرائن اعتبار روایات وجود راویان ویژه در اسناد روایات دانسته شده است؛ گروهی از حدیث پژوهان شیعی بر آنند که وجود راویان برجسته از جمله اصحاب اجماع در طریق روایات، قرینه‌ای بر صحت متن آنان است.^۲ اکثر علمای اهل سنت نیز تمامی صحابه رسول خدا ﷺ را عادل و اقوال آنان را حجت می‌دانند.^۳

وجود معصومان علیهم‌السلام در سلسله اسناد خطبه فدکیه موجب افزایش اعتبار سندی این روایت شده است؛ در دومین و سومین سند کتاب «دلایل الامامة» برای خطبه فدکیه، این روایت از طریق امام صادق علیه‌السلام از امام باقر علیه‌السلام از امام سجاد علیه‌السلام از حضرت زینب علیها‌السلام گزارش شده است.^۴ بنابراین در سند این روایت سه معصوم قرار گرفته و از سوی دیگر نقل این خطبه از حضرت زینب علیها‌السلام در منابع متعدد شیعی و اهل تسنن مشهور است^۵ که اگرچه از معصومان به شمار نمی‌روند اما شأن و منزلتشان بالاتر از آن است که با وثاقت و یا عدالت توصیف شوند.

۱. نخبه الفکر، ج ۸، ص ۲۳۳.

۲. وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۸۱؛ الرواشح السماویة، ج ۱، ص ۴۵؛ الوافی، ج ۱، ص ۲۴؛ مقباس الهدایة،

ج ۱، ص ۴۳۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۵۸.

۳. تدریب الراوی، ص ۳۷۴.

۴. دلایل الامامة، ص ۱۰۹.

۵. علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۸؛ من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۸؛ شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص

تعدادی از راویان خطبه فدکیه، از اصحاب اجماع هستند؛ «ابان بن عثمان»^۱، «محمد بن ابی عمیر»^۲ و «احمد بن محمد بن ابی نصر»^۳، از جمله اصحاب اجماعی هستند که نامشان در اسناد خطبه فدکیه ثبت شده است.^۴ بزرگان دیگری از جمله شیخ صدوق^۵، هارون بن موسی تلکبری^۶، برقی^۷ و... نیز در اسناد خطبه فدکیه قرار گرفته‌اند. در طرق اهل تسنن خطبه فدکیه، اصحابی همچون «عائشه» و «عبد الله بن عباس» قرار دارند که در نزد آنان متصف به عدالت هستند و بسیاری از روایات قابل اعتماد اهل تسنن را نقل کرده‌اند.

۴. تحلیل محتوای خطبه فدکیه

مطابقت مضامین روایات با قرآن، سنت قطعی، عقل و نقل‌های متواتر یا متقن تاریخی از قرائن اعتبار محتوا و متن روایات به شمار می‌رود.^۸ اهل سنت همخوانی روایت با قیاس را نیز به این موارد افزوده‌اند.^۹ در این بخش برای جلوگیری از اطالۀ کلام تنها به بررسی مضامینی از خطبه فدکیه پرداخته شده که از سوی گروهی با دیدۀ تردید نگریسته شده و می‌تواند موجب انکار صدور خطبه فدکیه از فاطمه علیها السلام شود. این فرازها با روش تحلیل برون‌متنی و در قیاس با گزارش‌های اهل سنت مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

پیش از پرداختن به محتوای خطبه فدکیه، انتقادی که ممکن است در اذهان شکل گیرد و منجر به تردید در صدور این خطبه از فاطمه علیها السلام می‌شود، طرح می‌گردد؛ گفته شده

۱. دلایل الامامة، ص ۱۰۹.
۲. علل الشرايع، ج ۱، ص ۲۴۸.
۳. دلایل الامامة، ص ۱۰۹.
۴. حتی اگر متن تمامی روایات آنان صحیح دانسته نشود (معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۱۸-۲۲) اما با قاطعیت می‌توان گفت که همگان بروثاقت این افراد اتفاق نظر دارند.
۵. علل الشرايع، ج ۱، ص ۲۴۸؛ من لا يحضره الفقيه ج ۳، ص ۵۶۸.
۶. دلایل الامامة، ص ۱۰۹-۱۲۲.
۷. علل الشرايع، ج ۱، ص ۲۴۸.
۸. علم الحديث و درایه الحديث، ص ۱۰۸-۱۱۰.
۹. أثر علل الحديث في اختلاف الفقهاء، ج ۲، ص ۸.

که این چنین خطبه خوانی با ویژگی های شخصیتی حضرت زهرا علیها السلام سازگار نیست؛ چراکه زهرا علیها السلام بانویی مخدره و جلیل القدر بودند، خروج ایشان از منزل، حضور در جمع نامحرمان، سخنوری با صدایی بلند و گریستن در مقابل آنان از آن حضرت بعید و با سیره اخلاقی - رفتاری ایشان در تعارض است. افزون بر آنکه حضرت زهرا علیها السلام از زاهدترین مردمان زمانه خویش بوده و دل بستگی این چنین به دنیا که او را از منزل بیرون کشد و در جمع مهاجران و انصار قرار دهد، بعید به نظر می رسد.^۱

در واکاوی اشکال مفروض باید دو امر را بیان داشت؛ نخست: خطبه خوانی و تعارضش با زهد حضرت زهرا علیها السلام و دوم: خطبه خوانی و تعارضش با عفاف آن حضرت. مسئله نخست نه تنها با وقار و عفاف خاندان رسول صلی الله علیه و آله و سلم در تعارض نیست؛ بلکه خود الگوی عملی عفاف بانوی مسلمان، هنگامه حضور در اجتماع به شمار می رود. در شرح ابن ابی الحدید طریقه حرکت کردن حضرت زهرا علیها السلام به سمت مسجد، به روشنی به تصویر کشیده شده است:

«هنگامی که به فاطمه علیها السلام خبر رسید که ابوبکر تصمیم گرفته تا مانع تصرف آن حضرت بر فدک شود، چادر خویش را پوشید و به همراه چند تن از بانوان، به طرف مسجد حرکت کرد. حرکت و راه رفتن ایشان همانند راه رفتن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود و هنگامی که به مسجد و نزد ابوبکر رسید، انبوه مهاجران و انصار حاضر بودند. میان حضرت و آنان پرده ای سپید قبطی آویخته شد...»^۲

وقار حضرت زهرا علیها السلام در حرکت به سوی مسجد و در میان جماعتی از زنان، نشان از آن دارد که حرکت ایشان، یک حرکت هیجانی و احساساتی نبوده، بلکه اقدامی حساب شده و برنامه ریزی شده، بوده است. بنابراین چه آمد نه تنها ایراد خطبه فدکیه با متانت حضرت علیها السلام در تضاد نیست، بلکه سندی بر کمال وقار آن حضرت است. قابل توجه اینکه طریقه حضور و گام برداشتن زهرا علیها السلام با سایر منقولات سیره نویسان سنی مذهب

۱. اللمعة البيضاء في شرح خطبة الزهراء، ص ۳۲۱-۳۲۲.

۲. شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۱۱.

سازگاری دارد؛ ابن حجر عسقلانی در «الاصابة» می‌نویسد: «عایشه می‌گوید: حضرت فاطمه علیها السلام همانند حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم راه می‌رفت و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مرحبا به دخترم»^۱ در روایات دیگری نیز عایشه و انس بن مالک، فاطمه علیها السلام را شبیه‌ترین فرد به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، در دینداری، نشستن و راه رفتن معرفی کرده‌اند.^۲

تعارض خطبه‌خوانی با زهد حضرت زهرا علیها السلام نیز از جهت «ان الضرورات تبیح المحذورات»^۳ است. غصب فدک، درخواست حضرت علیها السلام در بازگرداندن فدک، خودداری از بازگرداندن آن، همگی از ضرورت حضور و خطبه‌خوانی زهرا علیها السلام نشان دارد تا حجت بر همگان تمام شود و عذری در یاری نرساندن به فاطمه علیها السلام باقی نماند؛ ضمن آنکه فدک منبع مالی قابل توجهی بود که می‌توانست پس از حضرت زهرا علیها السلام در اختیار فرزندان ایشان قرار گیرد و در راه تبلیغ دین حق، مورد استفاده قرار گیرد؛ پس کوتاهی در باز پس ستاندن آن به‌گونه‌ای موجب تضییع حقوق اهل بیت علیهم السلام بود و با این نگاه می‌توان مدعی شد تلاش حضرت برای بازستاندن فدک، به جهت علاقه حضرت فاطمه علیها السلام به دنیا نبود؛^۴ بلکه دفاع از حقوق عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به شمار می‌رفت. افزون بر آنکه ورود حضرت زهرا علیها السلام به ماجرای فدک و خطبه‌خوانی ایشان، صرفاً به منظور ستاندن زمینی غصب شده نبود؛ بلکه همان‌گونه که خواهد آمد نوعی دفاع از حقانیت علی علیه السلام بود؛ پس اقدام ایشان نه از باب ضرورات بلکه ایفای واجب الهی است.

الف. خلافت امیر مؤمنان علیه السلام

از جمله مسائلی که در خطبه فدکیه مکرر به آن تصریح شده، خلافت و جانشینی پس از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم است. حضرت زهرا علیها السلام در جای جای خطبه فدکیه، جانشینی امیر مؤمنان علیه السلام و وجوب اطاعت از اهل بیت علیهم السلام را به مردم گوشزد کرده‌اند.

۱. الإصابة فی تمیز الصحابه، ج ۸، ص ۲۶۵-۲۶۶.

۲. المعجم الاوسط، ج ۴، ص ۲۴۲؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۱۶۴.

۳. المفید، ج ۳۶، ص ۱۰۲.

۴. اللمعة البيضاء فی شرح خطبة الزهراء، ص ۳۲۲-۳۲۵.

۵. رج: به تحلیل محتوا بخش خلافت امیر مؤمنان علیه السلام.

آنگاه که خداوند برای پیامبرش خانه انبیاء و آرامگاه اصفیاء را برگزید، در میان شما علائم نفاق ظاهر شد ... شما از غضب‌کنندگان هستید. پس بر شتران دیگران نشان زدید و بر آبی که سهم شما نبود وارد شدید.^۱

آگاه باشید که شما را می‌بینم درحالی که به تن آسائی جاودانه دل داده و کسی را که سزاوار زمامداری بود، دور ساخته‌اید.^۲

پس خلافت را بگیرید ولی بدانید که پشت این شتر خلافت زخم و پای آن سوراخ و تاول دار است. ننگش باقی و نشان از غضب خدا و ننگ ابدی دارد و به آتش شعله‌ور خدا که بر قلب‌ها احاطه می‌یابد، متصل است.^۳

عباراتی همچون «نشان زدن بر شتر دیگران»، «وارد شدن بر آبی که سهم آنان نبود»، «دور ساختن کسی که شایسته زمامداری است» به وضوح بر لزوم فرمان‌بری از امیرالمؤمنین علیه السلام و حقانیت ایشان در امر خلافت و غضب خلافت اشاره دارد. وجود چنین فرازهایی در خطبه فدکیه می‌تواند یکی از دواعی مهم عده‌ای از مخالفان مکتب اهل بیت علیهم السلام در انکار خطبه فدکیه و خدشه در اعتبار آن باشد. درحالی که روایات فراوانی^۴ در منابع حدیثی اهل سنت موجود است که به صراحت بر لزوم الاجرا بودن او امر حضرت علی علیه السلام دلالت دارد؛ همچون «من أطاعني فقد أطاع الله ﷻ و من عصاني فقد عصى الله و من أطاع عليا فقد أطاعني و من عصى عليا فقد عصاني»^۵ و شواهد و مستندات حقانیت خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام به نص رسول خدا ﷺ فراوانی^۶ اش^۶ انکارناپذیر است؛ واضح‌ترین آن‌ها در حدیث متواتر غدیر یافت می‌شود که در منابع متعدد روایی اهل سنت و با طرق متعدد نقل شده؛^۷ مسلم است

۱. الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۳۶.

۲. همان.

۳. همان.

۴. موارد دیگر را بنگرید در: مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۰۹؛ کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۱۲؛ مناقب علی بن ابی طالب، ص ۶۰؛ کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۱۹.

۵. کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۱۴.

۶. ر.ک: المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۴۰؛ المعجم الکبیر، ج ۴، ص ۱۷۲؛ کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۴-۶۰۵؛ مناقب علی بن ابی طالب، ص ۱۰۱.

۷. مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۳۷۲؛ سنن نسایی، ص ۱۵۰؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۳؛

هنگامی که خلافت، حق امیرالمؤمنین علیه السلام باشد، جانشینی دیگران چیزی جز غصب نیست.

ب. تسریع در انتخاب خلیفه به بهانه جلوگیری از فتنه

حضرت زهرا علیها السلام در یکی از فرازهای خطبه فدکیه می فرماید:
هَذَا وَالْعَهْدُ قَرِيبٌ وَالْكَلِمُ رَحِيْبٌ وَالْمَجْرَحُ لَمَّا يَنْدَمُلُ وَالرَّسُوْلُ لَمَّا يَقْبُرُ، اِبْتِدَارًا زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ، اِلَّا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا؛^۱ این در حالی بود که زمانی نگذشته بود و موضع شکاف زخم هنوز وسیع بود و جراح التیام نیافته و پیامبر به قبر سپرده نشده بود. بهانه آوردید که از فتنه می هراسید، آگاه باشید که در فتنه قرار گرفته اید.

در این فراز از خطبه به دو مسئله اشاره شده است؛ اول: شتاب زدگی صحابه در انتخاب خلیفه پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و دوم: عذرتراشی آنان که علت این شتاب زدگی جلوگیری از ایجاد فتنه در امت اسلامی است. این مطلب توسط منابع اهل سنت تأیید می شود؛ بخاری در صحیح خود روایت می کند: در هنگامه انتشار خبر وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیشتر انصار در سقیفه بنی ساعده جمع شدند.^۲ در برخی منابع آمده که انصار در توجیه این شتاب زدگی ترس خود از حاکمیت افرادی که آباء و اجدادشان توسط آنان کشته شده^۳ و ایجاد درگیری و فتنه ها را مطرح کرده اند.

نکته دیگر آنکه مطابق با عبارت انتهایی این فراز از خطبه «اِلَّا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا» و گواهی تاریخ، اگر ادعای آنان در بیان انگیزه جلوگیری از فتنه، واقعیت داشته باشد، اما با این شتاب زدگی نه تنها تفرقه و فتنه در امت اسلامی ریشه کن نشد، بلکه خود به آن دام ن زد.

ج. جنگاوری صحابه

در فرازی از خطبه فدکیه به گریختن عده ای از صحابه در نبردهای عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۰۹.

۱. الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۳۸.

۲. صحیح بخاری، ج ۸، ص ۲۶.

۳. کنز العمال، ج ۵، ص ۶۰۶.

اشاره شده است؛

انتم في رفاهية من العيش و ادعون فاكهون آمنون، و تنكصون عند النزال و تفرزون من القتال؛ شما در آن هنگام در آسایش می‌زیستید و از امنیت برخوردار بودید و چون جنگ شدت می‌گرفت، خود را کنار می‌کشیدید و هنگام کارزار فرار می‌کردید.^۱

گرچه این عبارات در بعضی از منابع اهل سنت که به نقل خطبه فدکیه پرداخته‌اند، دیده نمی‌شود، اما در کتاب «السقیفه و فدک» این مضامین با تعابیر دیگری بازگو شده است: «و انتم في رفهنية و رفعنية و ادعون آمنون تتوكفون الاخبار و تنكصون عند النزال».^۲ افزون بر آن ماجرای فرار گروهی از صحابه رسول خدا ﷺ از جنگ علاوه بر شهرت، اسناد و مدارک متقنی دارد که انکار ناشدنی است؛ تعدادی از آیات قرآن به مسئله گریز گروهی افراد در نبردها پرداخته و فراریان از جنگ را به شدت مورد مذمت قرار داده است.^۳ در منابع حدیثی، تاریخی و حتی تفسیری این واقعه با وضوح بیشتری به تصویر کشیده شده است؛ به عنوان نمونه می‌توان به نقل منابع اهل سنت از خلیفه دوم اشاره کرد که وی پس از قرائت آیه «إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ»^۴ اعلام می‌دارد که هنگامه شکست در جنگ احد به بلندای کوهی گریخته است.^۵ همچنین در کتاب «المغازی»، «تاریخ الامم و الملوك»، «الكامل في التاريخ»، «المحرر الوجيز» و نیز شرح ابن ابی الحدید بر نهج البلاغه اسامی اصحابی که در جنگ احد گریختند، ذکر شده و حتی در برخی از منابع آمده است که آنان چنان دچار ترس شده بودند که تا سه روز به مدینه بازنگشتند.^۶

۱. الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۳۶.

۲. السقیفه و فدک، ج ۱، ص ۱۴۱.

۳. از جمله آیه ۱۶ سوره انفال «وَمَنْ يُؤْمَرْ بِدُبُرِهِ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَرِّفًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَ مَا أُوْنَهُ جَهَنَّمُ وَ يَبُوءُ الْمُنْصِرِينَ».

۴. آل عمران: ۱۵.

۵. الدر المنثور، ج ۲، ص ۸۸؛ کنز العمال، ج ۲، ص ۳۷۶؛ الإكمال في أسماء الرجال، ص ۱۲۲.

۶. تاریخ الامم و الملوك، ج ۲، ص ۲۰۳؛ الكامل في التاريخ، ج ۲، ص ۱۵۸؛ المحرر الوجيز، ج ۱، ص ۵۳۰؛

د. برخورد ناشایست با اهل بیت رسول خدا ﷺ

در فرازی از خطبه فدکیه، حضرت زهرا علیها السلام می فرمایند:

مَنْ لَمْ تَلَيْسُوا إِلَّا زَيْتٌ أَنْ تَسْكُنَ نَفْسَهَا، تُسْرُونَ حَسَوًا فِي اِزْتِغَاءٍ، وَ نَحْنُ نَصْبِرُ مِنْكُمْ عَلَى مِثْلِ حَزْرِ الْمَدَى، وَ أَنْتُمْ الْآنَ تَزْعُمُونَ أَنْ لَا إِرْثَ لَنَا؛^۱ آنگاه آنقدر صبر نکردید تا دل داغدار من، آرام گیرد. به بهانه خوردن کف، شیر را زیر لب پنهان می خورید. ما باید بر این امور که همچون فرو رفتن خنجر است، صبر کنیم.

این بخش از روایت در منابع شیعی با تفصیل بیشتری آمده است:

آنگاه آن قدر صبر نکردید که دل داغدار من، آرام گیرد و تحمل آن (مصیبت) بر او سهل گردد. پس آتش گیره ها را افروخته تر کرده و برای اجابت ندای شیطان و خاموش کردن انوار دین روشن خدا و از بین بردن سنن پیامبر آماده بودید. به بهانه خوردن کف، شیر را زیر لب پنهان می خورید و در پشت تپه ها و درختان برای خانواده و فرزندان او کمین کرده بودید. ما باید بر این امور که همچون فرورفتن خنجر و نیزه بر آن، در میان شکم است، صبر کنیم.^۲

همان مقدار ذکر شده در منابع اهل سنت نیز نشانه حرمت شکنی و ظلم رفته بر حضرت زهرا علیها السلام و نارضایتی ایشان نسبت به برخی از صحابه است، مؤیدات این امر را می توان در کلام امیر مؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه یافت؛ آنجا که حضرت پس از به خاک سپاری حضرت زهرا علیها السلام می فرمایند: به زودی دخترت تو را آگاه خواهد ساخت که امتت در ستم کردن به وی اجتماع کرده بودند.^۳ تاریخ نگاران اهل سنت نگاشته اند ابوبکر در اواخر عمر، از چند چیز اظهار پشیمانی کرد از جمله آن ها بازرسی خانه حضرت زهرا علیها السلام بود^۴ در کتاب اعلام النساء نیز آمده است: گروهی در خانه فاطمه علیها السلام جمع شده بودند. ابوبکر، عمر را نزد آنان فرستاد، عمر آنان را صدا زد و گفت: اگر از خانه بیرون نیایید، خانه را به آتش می کشم. به

۱. شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۵، ص ۲۳.

۲. همان، ج ۱۶، ص ۲۵۱.

۳. الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۳۸.

۴. شرح ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۶۶.

۵. تاریخ الأمم و الملوك، ج ۳، ص ۴۳۰.

وی گفته شد که در خانه فاطمه علیها السلام است. جواب داد: گرچه در آن فاطمه باشد.^۱ بنابراینچه ذکر شد، برخورد نامناسب و مخالف با شأنیت حضرت زهرا علیها السلام، عدم حفظ حرمت ایشان بلافاصله پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله قابل انکار نیست.

ه. پشیمانی از ظلم به خاندان نبوت

در فرازی از خطبه فدکیه آمده است:

اینک این تو و این شتر، شتری مهار زده و رحل نهاده شده، برگیر و ببر با تو در روز رستاخیز ملاقات خواهم کرد. چه نیک داوری است خداوند و نیکو دادخواهی است پیامبر و چه نیکو وعده‌گاهی است قیامت و در آن ساعت و آن روز اهل باطل زیان می‌برند و پشیمانی به شما سودی نمی‌رساند «وَلَا يَنْفَعُكُمْ إِذْ تَنْدُمُونَ»^۲

این کلام حضرت از پشیمانی آنان در آینده، از برخوردشان با خاندان نبوت، نشان دارد. گرچه پشیمانی کامل از ماجراهایی که پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله اتفاق افتاد و موجب ظلم به یگانه فرزند ایشان شد، آن‌هم در فاصله‌ای کمتر از ده روز، در روز قیامت محقق خواهد شد، اما شواهد تاریخی گواه بر آن است که ابوبکر در اواخر عمر از چند اقدام خویش ابراز پشیمانی کرد، از جمله آن‌ها ورود و تفتیش خانه زهرا علیها السلام و دیگری پذیرفتن خلافت است.^۳ ضیاء مقدسی که یکی از عالمان رجالی و حدیثی اهل سنت است، می‌نویسد: «هذا حدیث حسن عن ابی بکر الا انه لیس فیه شیء من قول النبی صلی الله علیه و سلم»^۴.

در انتها توجه به این نکته ضروری می‌نماید که آنچه از مطالعه فرازها و مضامین خطه فدکیه به دست می‌آید آن است که هدف حضرت فاطمه علیها السلام از ایراد این خطبه، اعلام صریح و روشن نارضایتی از عملکرد غاصبان فدک و خلافت است. نارضایتی فاطمه علیها السلام از خلیفه اول نیز همچون سایر عبارات خطبه، با توجه به منابع اهل سنت، غیرقابل انکار

۱. اعلام النساء، ج ۴، ص ۱۱؛ السقیفه و الخلافة، ص ۱۴.

۲. الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۳۹.

۳. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۳۷؛ تاریخ الأمم و الملوك، ج ۳، ص ۴۳؛ تاریخ الاسلام، ج ۳، ص ۱۱۸.

۴. الاحادیث المختارة، ج ۱، ص ۹۰-۹۱.

است و مکرر توسط محدثان اهل سنت نقل شده است؛

هنگامی که ابوبکر از حضرت رسول ﷺ روایت «لا نورث ما ترکنا صدقة» نقل کرد، حضرت زهرا علیها السلام غضبناک شد و از او دوری گزید و با وی تا زمانی که وفات نمود، صحبت نکرد.^۱

درحالی که در صحیح بخاری آمده است که «ان رسول الله صلی الله علیه و سلم قال فاطمة بضعة منی فمن أغضبها غضبني»^۲

نتیجه

بررسی های در این پژوهش نشان می دهد:

۱. خطبه فدکیه در منابع معتبر شیعی از جمله برخی کتب اربعه و هم چنین در کتب کهن روایی - تاریخی اهل سنت روایت شده و این روایت از جهت منبع معتبر است و قابل خدشه نیست.

۲. خطبه فدکیه دارای طرق متعدد است که می توان آن را مستفیض دانست.

۳. خطبه فدکیه دارای سند معتبر نزد شیعه و اهل سنت است.

۴. برخی روایات خطبه حضرت زهرا علیها السلام معصومان علیهم السلام، اصحاب اجماع و علمای بزرگ شیعه هستند و راویان قابل اعتمادی در میان اهل سنت آن را روایت کرده اند.

۵. از آنجاکه در منابع متعدد اهل سنت به جانشینی امیرمومنان علیهم السلام و لزوم اطاعت از ایشان، فرار عده ای از صحابه از جنگ ها، برخورد نامناسب با حضرت زهرا علیها السلام، تسریع در انتخاب خلیفه به بهانه جلودگیری از فتنه، هبه بودن فدک و پشیمانی از ستاندن آن از حضرت زهرا علیها السلام تصریح شده است، محتوای خطبه فدکیه نیز قابل خدشه نبوده و توسط منقولات روایی - تاریخی اهل سنت مورد تأیید است.

۱. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۴۲ و ج ۵، ص ۸۲؛ صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۵۴؛ الثقات، ج ۱۱، ص ۱۵۳،

مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۶.

۲. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۱۰.

کتاب نامه

۱. أثر علل الحديث في اختلاف الفقهاء، فحل، ماهر ياسين، بی جا، ۱۴۲۰ ق.
۲. الاحاديث المختارة او مستخرجة مما لم يخرجها البخارى و مسلم فى صحيحهما، مقدسى، ضياء الدين، دار خضر للطباعة و النشر و التوزيع - بيروت، ۱۴۲۰ ق.
۳. الاحتجاج، طبرسي، احمد بن على بن ابى طالب، تعليق و ملاحظات: السيد محمد باقر الخراسان، دار النعمان للطباعة و النشر - النجف الأشرف، ۱۳۸۶ ق.
۴. الاذکار النوويه، نووى، يحيى بن شرف، دار الفكر - بيروت، ۱۹۹۴ م.
۵. ارزيبى حديث نحن معاشر الانبياء لا نورث، بستانى، قاسم، مجله ى شيعه شناسى، شماره ى ۱۶۲۰، زمستان ۱۳۸۶،
۶. الإصابة فى تميز الصحابه، عسقلانى، شهاب الدين بن حجر، تحقيق: الشيخ عادل أحمد عبد الموجود، الشيخ علي محمد معوض، دار الكتب العلمية - بيروت، ۱۴۱۵ ق.
۷. اضواء على السنة المحمدية، ابوريه، محمود، نشر البطحاء، بی تا.
۸. اعلام النساء، كهانه، عمر رضا، العقد الفريد - بيروت، ۱۴۰۴ ق.
۹. إكليل المنهج في تحقيق المطلب، خراساني كرباسي، محمد جعفر بن محمد طاهر، تحقيق: السيد جعفر الحسيني الاشكوري، دار الحديث للطباعة و النشر - قم، ۱۴۲۵ ق.
۱۰. الإكمال في أسماء الرجال، خطيب تبريزي، تحقيق: السيد جعفر الحسيني الاشكوري، دار الحديث للطباعة و النشر - قم، ۱۴۲۵ ق.
۱۱. امام على عليه السلام بزرگترین خطيب تاريخ، خراسانى، احمد سپهر، يادنامه كنگره هزاره نهج البلاغه، بنياد نهج البلاغه - قم، ۱۳۶۰ ش.
۱۲. بحار الأنوار، مجلسي، محمد باقر، تحقيق: يحيى العابدی الزنجاني و السيد كاظم الموسوي المياموي، دار إحياء التراث العربي - بيروت، ۱۴۰۳ ش.
۱۳. تاج العروس، زبيدي، تحقيق: علي شيري، دار الفكر - بيروت، ۱۴۱۴ ق.
۱۴. تاريخ الاسلام. ذهبي، شمس الدين محمد بن احمد، تحقيق: عمر عبدالسلام تدميري، دار الكتاب العربي - بيروت، ۱۴۰۷ ق.
۱۵. تاريخ الأمم و الملوك، طبري، محمد بن جرير، تحقيق محمد أبو الفضل ابراهيم. دار التراث - بيروت، نوبت دوم، ۱۹۶۷ م.
۱۶. تاريخ اليعقوبي، يعقوبى، احمد بن أبى يعقوب بن جعفر بن وهب، دار صادر - بيروت، بی تا.

۱۷. تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، ابو بکر احمد بن علی، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، دار الکتب العلمیة - بیروت، ۱۴۱۷ ق.
۱۸. تدریب الراوی، سیوطی، جلال الدین، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۷ ق.
۱۹. تذکرة الحفاظ، ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، دار إحياء التراث العربی - بیروت، بی تا.
۲۰. ترجمه نهج البلاغه، خراسانی، احمد سپهر، انتشارات اشرفی - تهران، ۱۳۵۸ ش.
۲۱. تفسیر القرآن العظیم. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تحقیق: محمد حسین شمس الدین، دار الکتب العلمیة - بیروت، ۱۴۱۹ ق.
۲۲. التقیید و الايضاح شرح مقدمة ابن الصلاح، حافظ عراقی، عبدالرحیم بن الحسین، دار الحدیث - قم. بی تا
۲۳. تهذیب الکیمال، مزی، جمال الدین ابی الحجاج، تحقیق وضبط و تعلیق: الدكتور بشار عواد معروف، مؤسسة الرسالة - بیروت، ۱۴۰۶ ق.
۲۴. الثقات، محمد بن حبان بن احمد بن ابی حاتم، موسسه كتب الثقافة، مجلس دائرة المعارف العثمانیة - حیدرآباد هند، ۱۳۹۳ ق.
۲۵. جلوه های تاریخ در شرح ابن ابی الحدید، دامغانی، محمود، نشر نی - تهران، ۱۳۷۵ ش.
۲۶. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، جعفریان، رسول، انصاریان - قم. بی تا.
۲۷. خاتمه مستدرک الوسائل، نوری طبرسی، حسین، چ اول، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث - قم. ۱۴۱۵ ق.
۲۸. خصائص أمير المؤمنين عليه السلام، نسائی، تحقیق وتصحیح الأسانید و وضع الفهارس: محمد هادی الأمینی، مکتبة نینوی الحدیثة - تهران، بی تا.
۲۹. الدر المنثور فی تفسیر المأثور، سیوطی، جلال الدین، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - قم، ۱۴۰۴ ق.
۳۰. دلائل الامامة، طبری، محمد بن جریر (شیعی)، مرکز الطباعة والنشر فی مؤسسة البعثة - قم، ۱۴۱۳ ق.
۳۱. الذریعة، سید مرتضی، علی بن الحسین، تحقیق: ابوالقاسم گرجی، انتشارات دانشگاه تهران - تهران، ۱۳۴۸،
۳۲. الذریعة، طهرانی، آقا بزرگ، دار الأضواء - بیروت، بی تا.
۳۳. رجال الطوسی، طوسی، محمد بن حسن، تحقیق: جواد القیومی الإصفهانی، جامعه مدرسین - قم، ۱۴۱۵ ق.

٣٤. رسائل في دراية الحديث، حافظيان بابلي، أبو الفضل، دار الحديث للطباعة والنشر .
قم. ١٤٢٤ق.
٣٥. الرعاية في علم الدراية، عاملي، زين الدين بن علي بن احمد (الشهيد الثاني)، تحقيق: عبد
الحسين محمد علي بقال، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي . قم المقدسة، نوبت
دوم. ١٤٠٨ق.
٣٦. الرواشح السماوية، ميرداماد، الرواشح السماويه، محمد باقر بن محمد حسيني استر آبادي،
محقق: غلامحسين قيصره ها، نعمة الله الجليلي، چ اول، دار الحديث . قم. ١٤٢٢ق.
٣٧. روح المعاني في تفسير القرآن العظيم. ألوسی، سيد محمود، تحقيق: علي عبدالباري عطية،
دارالكتب العلميه .بيروت، ١٤١٥ق.
٣٨. زندگانی حضرت زهرا عليها السلام ترجمه بحار الانوار ج ٣، روحانی زمان آبادی، محمد، بی جا، بی تا.
٣٩. السقيفه و الخلافه، عبد المقصود، عبد الفتاح، دارالمحجة البيضاء .بيروت، ١٤٢٧ق.
٤٠. السقيفه و فذك، جوهری، احمد بن عبد العزيز، مكتبة نينوى .بغداد، بی تا.
٤١. سنن الترمذي، ترمذي، ابو عيسى محمد بن عيسى بن سورة، تحقيق وتصحيح: عبد الرحمن
محمد عثمان، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع .بيروت، ١٤٠٣ق.
٤٢. سير أعلام النبلاء، ذهبي، شمس الدين محمد بن احمد، إشراف وتخريج: شعيب الأرنؤوط،
تحقيق: حسين الأسد، مؤسسة الرسالة .بيروت، نوبت نهم. ١٤١٣ق.
٤٣. الشافي في الامامة، سيد مرتضى، علي بن الحسين، مؤسسة إسماعيليان . قم. نوبت
دوم. ١٤١٠ق.
٤٤. شرح نهج البلاغة، ابن أبي الحديد، عبد الحميد، دار إحياء الكتب العربية، مؤسسة مطبوعاتي
إسماعيليان . قم. ١٣٧٨ق.
٤٥. شواهد التنزيل، حاكم حسكاني، تحقيق: الشيخ محمد باقر المحمودي، مؤسسة الطبع والنشر
التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي .مجمع إحياء الثقافة .بيروت، ١٤١١ق.
٤٦. صحيح ابن حبان، محمد بن حبان بن احمد بن ابي حاتم، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، مؤسسة
الرسالة .بيروت، ١٤١٤ق.
٤٧. صحيح مسلم . نيشابوري، مسلم بن حجاج، بي تا. دار الفكر .بيروت،
٤٨. صحيح البخاري، بخاري، محمد بن اسماعيل، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع . قم. ١٤٠١
ق.
٤٩. طبرى سوم و كتاب دلائل الامامة، انصاري، محمد رضا، مجله كيهان انديشه، شماره ٥٨،

بهمن و اسفند ۱۳۷۳ ش.

۵۰. الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف، سيدبن طاووس، على بن موسى، الخيام . قم ۱۳۹۹ ق.
۵۱. علل الشرائع، صدوق، محمد بن علي بن بابويه، تحقيق: تقديم: السيد محمد صادق بحر العلوم. منشورات المكتبة الحيدرية ومطبعتها. النجف الأشرف، ۱۳۸۵ ق.
۵۲. علم الحديث و درايه الحديث، مديرشانه چي، كاظم. دفتر انتشارات اسلامي . قم. نوبت سيزدهم. ۱۳۷۷ ش.
۵۳. علوم الحديث و مصطلحه، صبحي صالح، تحقيق: توفيق بن محمد القرشي، دار العلم للملايين . بيروت، ۱۹۸۴ م.
۵۴. فتح الباري، عسقلاني، شهاب الدين بن حجر، دار المعرفة للطباعة والنشر. بيروت، نوبت دوم. بی تا.
۵۵. فتوح البلدان، بلاذري، أبو الحسن أحمد بن يحيى، دار و مكتبة الهلال . بيروت، ۱۹۸۸ م.
۵۶. الفوائد المدنية و الشواهد المكيه، استرآبادي، محمد امين، موسسه نشر اسلامي . قم. ۱۴۲۴ ق.
۵۷. فهرس اسماء مصنفي الشيعة، نجاشي، احمد بن علي، انتشارات جامعه مدرسين . قم. ۱۴۰۷ ق.
۵۸. الفهرست، طوسي، محمد بن حسن، تحقيق: الشيخ جواد القيومي، مؤسسة نشر الفقاهة . قم. ۱۴۱۷ ق.
۵۹. قواعد التحديث من فنون مصطلح الحديث، قاسمي دمشقي، سيد محمد جمال الدين، دار الكتب العلميه . بيروت، ۱۳۹۹ ق.
۶۰. الكامل في ضعفاء الرجال، جرجاني، احمد بن عدی، تحقيق: دكتور سهيل زكار، دار الفكر . بيروت، ۱۴۰۴ ق.
۶۱. كشف الغمة في معرفة الاثمه عليه السلام، اربلي، على بن عيسى، تصحيح: ابراهيم ميانجي، تهران: اسلاميه، بی تا.
۶۲. الكامل في التاريخ، ابن اثير، عز الدين أبو الحسن على بن ابي الكرم. بيروت: دار صادر، ۱۳۸۵ ق.
۶۳. كنز العمال، متقي هندي، على بن حسام الدين، ضبط وتفسير: الشيخ بكرى حياني، تصحيح وفهرسة: الشيخ صفوة السقا، مؤسسة الرسالة . بيروت، ۱۴۰۹ ق.
۶۴. لغت نامه دهخدا، دهخدا، على اكبر، دانشگاه تهران . تهران، بی تا.

٦٥. اللمعة البيضاء في شرح خطبة الزهراء، تبريزي انصاري، محمد علي بن أحمد، مؤسسة الهادي قم. ١٤١٨ ق.
٦٦. مجمع البحرين، طريحي، فخر الدين، تحقيق: سيد احمد حسيني، مكتب النشر الثقافة الاسلامية، ١٤٠٨ ق.
٦٧. المحرر الوجيز، ابن عطية اندلسي، دار الكتب العلمية. بيروت، ١٤١٣ ق.
٦٨. مروج الذهب و معادن الجوهر، مسعودي، أبو الحسن علي بن الحسين بن علي، تحقيق اسعد داغر، دار الهجرة. قم. نوبت دوم. ١٤٠٩ ق.
٦٩. المستدرک علی الصحيحين، حاكم نيشابوري، ابو عبدالله، تحقيق: إشراف: يوسف عبد الرحمن المرعشلي، بی جا، بی تا.
٧٠. مستدرکات علم رجال الحديث، نمازي شاهرودي، الشيخ علي، چاپ حيدري . تهران، ١٤١٥ ق.
٧١. مسند أبي يعلى، موصلي، أبو يعلى، تحقيق: حسين سليم أسد، دار المأمون للتراث . بيروت، ١٤٠٨ ق.
٧٢. مسند احمد، احمد بن حنبل، دار صادر. بيروت، بی تا.
٧٣. المعجم الأوسط، طبرانی، دار الحرمين للطباعة والنشر والتوزيع. القاهرة، ١٤١٥ ق.
٧٤. معجم البلدان حموي، شهاب الدين ابو عبد الله أقوت، دار صادر. بيروت، نوبت دوم. ١٩٩٥ م.
٧٥. معجم الرجال و الحديث، الانصاري محمد، بی چا، بی تا.
٧٦. المعجم الكبير، طبرانی، دار احیاء التراث العربی. بيروت، ١٤٠٥ ق.
٧٧. معجم رجال الحديث، خوئي، ابو القاسم. دار الزهراء. بيروت، نوبت پنجم. ١٤١٣ ق.
٧٨. معجم الادباء، شهاب الدين ابو عبد الله أقوت، دار الغرب الاسلامی. بيروت، بی تا.
٧٩. معرفة الثقات، عجلي، احمد بن عبدالله بن صالح، مكتبة الدار. المدينة المنورة، ١٤٠٥ ق.
٨٠. معرفت، صيانه القرآن من التحريف، موسسه انتشاراتی التمهيد. قم. نوبت سوم. ١٤٢٥ ق.
٨١. المغازی، واقدي، محمد بن عمر، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، مركز نشر دانشگاهی . تهران، نوبت دوم. ١٣٦٩ ش.
٨٢. المفردات فی غريب القرآن، راغب اصفهانی، دارالعلم. بيروت، ١٤١٢ ق.
٨٣. المفصل فی تاريخ العرب قبل الاسلام. جواد علی، بی چا، بی تا.
٨٤. المفيد من معجم رجال الحديث، جواهری، محمد، مكتبة المحلتي . قم. نوبت دوم. ١٤٢٤ ق.

۸۵. مقاتل الطالبيين، اصفهانی، أبو الفرج، تقديم وإشراف: كاظم المظفر، منشورات المكتبة الحيدرية ومطبعتها. النجف الأشرف، نوبت دوم. ۱۳۸۵ ق.
۸۶. مقباس الهداية في علم الدراية مامقانی، عبد الله، انتشارات دليل ما. قم. ۱۳۸۵ ش
۸۷. مقباس الهداية، مامقانی، عبد الله، محقق: محمد رضا مامقانی، مقدمه: شوشتری، منشورات دليل ما. قم. ۱۴۲۸ ق.
۸۸. من لا يحضره الفقيه، صدوق، محمد بن علی بن بابويه، تصحيح وتعليق: علي أكبر الغفاري، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين. قم. بی تا.
۸۹. مناقب علی بن ابی طالب و ما نزل من القرآن فی علی، ابن مردويه، احمد بن موسى، دار الحديث. قم. ۱۴۲۴ ق.
۹۰. منهج النقد في الحديث، عتر، نورالدين، دار الفكر. دمشق، ۱۴۰۶ ق.
۹۱. نخبه الفكر، ابن طيفور، ابو الفضل بن ابی طاهر، بلاغات النساء، مكتبة بصيرتي. قم. بی تا.
۹۲. نگاهي گذرا به اسناد و منابع مکتوب خطبه فدک، آذربادگان، حسينعلی، مجله علوم حديث، ش ۲۶، ۱۳۸۱ ش.
۹۳. نهاية الدراية، صدر، سيد حسن، تحقيق: ماجد الغرابوي، بی جا، بی تا.
۹۴. نهج البلاغه، سيد رضی، محمد بن الحسين، تحقيق: شرح: الشيخ محمد عبده، دار الذخائر. قم. ۱۴۱۲ ق.
۹۵. الوافي، ملا محسن فيض كاشاني، محمد بن مرتضى (ملا محسن)، مكتبة الامام امير المؤمنين علی عليه السلام. اصفهان، بی تا.
۹۶. الوافيه في اصول الفقه، تونی، عبد الله بن محمد، ۱۴۱۵، مجمع الفكر الاسلامی. قم.
۹۷. وثوق صدوری و وثوق سندی و دیدگاه ها، ربانی، محمد حسن، مجله فقه، ش ۱۹ و ۲۰، ۱۳۷۳ ش.
۹۸. وسائل الشيعه، عاملی، محمد بن الحسن (شيخ حر)، تحقيق: شيخ محمد رازی، دار احیاء التراث العربی. بيروت، ۱۱۰۴ ق.